



بیانات در دیدار جمعی از بانوان فرهیخته‌ی حوزوی و دانشگاهی - 21 / اردیبهشت / 1392

بسم الله الرحمن الرحيم

خیلی متشکریم از بانوان محترم و گرامی که جلسه‌ای به این خوبی و به این پرباری ترتیب دادید و من امروز حقیقتاً از بیانات خانمها بهره‌مند شدم و استفاده کردم؛ و خدا را سپاسگزاری کردم به خاطر عمقی که انسان مشاهده میکند در مباحث و تلاشها و فکر کردنها در بین بانوان برجسته و ممتاز کشورمان بحمدالله وجود دارد. مطالبی که فرمودید، غالباً مطالب خوبی بود؛ پیشنهادهایی هم بود که ان شاءالله می‌دهیم بررسی کنند؛ آن مقدار که به عهده‌ی من است و ما باید دنبال کنیم حتماً دنبال میکنیم ان شاءالله.

درباره‌ی مسئله‌ی زن و آنچه که پیرامون این مسئله است، خب حرف خیلی زیاد است؛ ما دچار يك عقب‌ماندگی‌ای هستیم که شما خانمها - بعضی از خانمهایی که صحبت کردید - اشاره کردید. عقب‌ماندگی در این قلمرو، از نوع عقب‌ماندگی در علم - که ما می‌گوییم دچار عقب‌ماندگی هستیم مثلاً - نیست؛ در اینجا اگر تعبیر میکنیم به عقب‌ماندگی، به خاطر این است که ما در زمینه‌ی مسئله‌ی زن، مسئله‌ی جنسیت، مسئله‌ی اموری که حول و حوش وجود زن تحقق پیدا میکند و معنا پیدا میکند - مثل همین خانواده و فرزند و ازدواج و سکن و آرامش و از این مطالب - حرفهای برجسته‌ای داریم که توفیق پیدا نکردیم اینها را منتقل کنیم به دنیا، اینها را مطرح کنیم در ذهنیت جهانی، عقب‌ماندگی از این جهت. در حالی که دنیا احتیاج دارد به مبانی و مفاهیم روشن فراگیر کارگشا؛ همچنان که ملاحظه کردید بعضی از خانمها گفتند که وقتی ما اینها را در دنیا مطرح میکنیم، مورد استقبال قرار می‌گیرد؛ یا بعضی از خانمها گفتند که دستاوردهای علمی در زمینه‌های روان‌شناسی و غیره، احکام اسلامی را در مورد زن تأیید میکند. خب، این يك گوشه‌ای از توانایی‌های نظام فکری اسلامی در این مسئله‌ی حسّاس است؛ و ما این توانایی‌ها را نتوانستیم درست بیان کنیم، تعریف کنیم. در خیلی از مناطق گوناگون فکری و قلمروهای فکری همین‌جور است؛ در خیلی از زمینه‌ها ما واقعاً نظر اسلام را درست نتوانستیم به دنیا منتقل کنیم. حالا اینکه می‌گوییم "نتوانستیم"، این را نمیشود گناه نظام جمهوری اسلامی دانست؛ چون همان مقداری هم که کار شده است، به برکت نظام جمهوری اسلامی است و به برکت نفوذ فکر انقلاب و فکر امام و نام انقلاب و نام امام و اینها بود که بحمدالله تا حدودی گسترش پیدا کرد؛ لکن بیش از این باید ما کار کنیم، که نیاز داریم به این؛ که حالا عرض خواهم کرد. ما برای اینکه بتوانیم يك جبهه‌ی تهاجمی و مصون از تعرض تهاجم دیگران - يك آرایش تهاجمی - داشته باشیم، نیاز داریم به اینکه این کارها را، این اندیشه‌ها را، این افکار را منتشر کنیم، بگوییم؛ به این واقعاً نیازمندیم؛ در واقع این تهاجم ما، جنبه‌ی مصونیت‌سازی و تدافعی دارد. بنابراین هرچه شماها کار بکنید برای اینکه این عقب‌ماندگی را جبران بکنید، به نظر من مفید است و لازم است. در زمینه‌ی این نهضت - باید گفت نهضت بیداری در زمینه‌ی مسائل مربوط به زنان - واقعاً هیچ نایستی ما تعلل نکنیم، توقف نکنیم؛ بین راه درنگ نباید کرد. با وجود اینکه این گفتمان کامل و مفید و قانع‌کننده را از اسلام در اختیار داریم، امّا عملاً خودمان را در موضع انفعال قرار دادیم در مقابل گفتمان غربی در مورد زن.

گفتمان غرب در مورد زن، يك گفتمان کاملاً حساب‌شده‌ی سیاسی است؛ یعنی آن روزی که این فکر و این گفتمان درباره‌ی زن، در غرب آغاز به کار کرد و شروع کرد، يك محاسبه‌ی دقیقی پشت این وجود داشت. این البته به عنوان خبر نیست که من از روی اطلاع و با استناد به اخبار بگویم، امّا مؤیدات واقعی‌ای دارد که این تحلیل را تقویت میکند؛ یعنی از آغاز رنسانس در غرب و به دنبال آن حضور صنعت و پیدایش صنعت جدید در غرب، بتدریج این گفتمان غربی رشد پیدا کرد؛ و اوجش در روزگار ما است که البته این اوج همراه خواهد بود با انحطاط و نزول و ان شاءالله سرافکندگی و فروپاشی این گفتمان.



گفتمان غربی در مورد زن اجزاء گوناگونی دارد، لکن دو جزء در آن برجسته است: یکی مردواره کردن زن، یعنی زن را متشبه به مرد قرار دادن، این يك بخش مهم از این گفتمان است؛ يك بخش دیگر هم زن را وسیله راحتی برای التذاذ جنسی مرد قرار دادن، حالا التذاذ چشمی یا مراحل بدتر و بعدتر از التذاذ چشمی، این هم يك بخش دیگر از گفتمان غربی است در مورد زن. این مسئله فمینیسم و این چیزهایی که امروز در دنیا رایج شده، همه در واقع فراورده‌های آن گفتمان غربی است که در نهایت کار به اینجاها میرسد.

مردواره کردن زن؛ یعنی به دنبال این بودند که مشاغل گوناگونی که با ساخت جسمی و عصبی و فکری مرد سازگارتر است را بکشانند به سمت بانوان و زنان، و این را يك افتخار برای زن و يك امتیاز برای زن قرار بدهند. ما در مقابل این دچار انفعال شدیم، یعنی دور خوردیم؛ ما هم نادانسته، ناخواسته، این گفتمان را قبول کردیم. می‌بینید ما الان افتخار میکنیم که فلان تعداد زن، در فلان بخشهای اجرایی کشور داریم. اشتباه نشود، از اینکه این بانوان این مناصب اجرایی باشند من هیچ مشکلی ندارم؛ یعنی منع نمیکنم، نفی نمیکنم، ایرادی هم برایش قائل نیستم - فرض کنید وزیر بهداشت ما يك خانم بود، یا معاونین رئیس‌جمهور مثلاً یا بخشهای مختلف در بینشان بانوان هستند، این از نظر من اشکالی ندارد - آنچه اشکال دارد، افتخار به این است؛ که ما به رخ دنیا بکشیم که ببینید، ما در بخشهای اجرایی اینقدر زن داریم! این همان دور خوردن است، این همان منفعل شدن است؛ این افتخاری ندارد. خیلی خب، يك خانمی است، ارزشهایی داشته، توانایی‌هایی پیدا کرده، مناسب این مقام شده؛ خیلی خب، بگذارند، خلاف قانون هم که نبوده؛ اما اینکه ما به این افتخار بکنیم که ببینید، ما این تعداد خانم مسئول در بخشهای اجرایی داریم، این غلط است. اگر ما افتخار کنیم که این تعداد خانم روشنفکر، خانم تحصیلکرده داریم، این خوب است، این جا دارد؛ اگر بگوییم این مقدار خانم نویسنده، خانم فعال فرهنگی یا فعال سیاسی داریم، اشکالی ندارد؛ اگر بگوییم این مقدار خانم شهادت‌طلب و مجاهده‌کار در میدانهای گوناگون داریم، این خوب است؛ اگر بگوییم این مقدار خانمی که در عرصه‌های سیاسی انقلابی فعالند - گوینده‌اند، نویسنده‌اند - داریم، این خوب است؛ افتخار به اینها خوب است؛ اما افتخار به اینکه ما این تعداد وزیر زن، این تعداد نماینده زن، این تعداد معاون بخشهای مختلف زن، این تعداد رئیس مؤسسات تجاری زن داریم، افتخار به این غلط است؛ این انفعال در مقابل آنها است. مگر بنا بوده ما کارهای مردانه را به زنها بدهیم؟ نه، جایگاه زن و هویت و شخصیت زن، در جنس خود زن يك هویت بسیار بالا و با کرامتی است، از بعضی جهات از مردها بالاتر است. در مجموع هم که نگاه کنیم، زن و مرد فرقی ندارند؛ از لحاظ خلقت، از لحاظ خصوصیات کبان طبیعی‌شان که خدای متعال خلق کرده، يك امتیازاتی جانب زنانه دارد، يك امتیازاتی جانب مردانه دارد؛ خدای متعال يك مقدار خصوصیات را به این جنس داده، يك مقدار خصوصیات را به آن جنس داده؛ يك برجستگی‌ها و ارزشهایی این دارد، يك برجستگی‌ها و ارزشهایی آن دارد؛ لذا است که با همدیگر از لحاظ آنچه که مربوط به انسانیت است هیچ فرقی ندارند، هیچ تفاوتی ندارند؛ در آن چیزهایی که خدای متعال برای انسان قرار میدهد - از لحاظ حقوق انسانی، از لحاظ حقوق اجتماعی، از لحاظ ارزشهای معنوی و سیر تکامل معنوی - هیچ فرقی ندارند؛ یعنی يك مردی مثل علی‌بن‌ابی‌طالب میشود، يك زنی مثل فاطمه‌ی زهرا میشود؛ يك مردی مثل عیسی میشود، يك زنی مثل مریم میشود؛ تفاوتی ندارند با همدیگر. پس این نگاه درست است که ما زن را در جنسیت خودش - همان‌جور که هست، زن واقعی، مؤثت واقعی - بشناسیم، و ببینیم چه ارزشهایی میتواند این فرد متعلق به این جنس را یا این جامعه‌ی این جنسیت را رشد بدهد و تعالی ببخشد؛ این نگاه، نگاه درست است. ما نباید در مقابل نگاه غرب دچار این انفعال میشدیم که متأسفانه شدیم.

البته در آن بخش دوم که زن را وسیله‌ای برای التذاذ جنسی مرد قرار میدهد - نه التذاذ معنوی و روحی، نه التذاذ علمی؛ ممکن است دو نفر بنشینند، یکی لذت ببرد از خوش‌صحبتی یکی، از معلومات کسی؛ نخیر، این مطرح نیست - برای اینکه مرد به راحتی بتواند التذاذ ببرد از مسائل جنسی زن، این مثل يك سیلی وارد کشورهای بی‌دفاع



و بی حفاظ اسلامی شد از طرف غرب؛ کشور ما هم همین جور. خوشبختانه انقلاب آمد، جلوی این تا یک حدود زیادی گرفته شد و بایست جلوی این سد بشود؛ این خطر بزرگی است؛ بلای عظیمی است. مسئله‌ی حجاب یکی از مقدمات این کار است، مسئله‌ی پوشش و لباس همین جور، مسئله‌ی معاشرت زن و مرد و حدود معاشرت یکی از مقدمات این است که این بلای بزرگ که هم بلای برای زن است و هم بلای برای مرد است - و البته شامل تحقیر زن هم هست، بدون اینکه ملتفت بشوند - سد بشود. امروز در دنیا عمداً به این مسئله دامن زده میشود. البته من اطلاع دارم و خوانده‌ام در نوشتجاتی، در مطبوعاتی، در کتابهایی که اندیشمندان غربی بتدریج دارند احساس ترس و احساس دهشت میکنند از این وضعیّت؛ که حق با آنها است، منتها دیر فهمیدند؛ دامن زدن به مسئله‌ی شهوت - که متمرکز بود روی مسئله‌ی زنها؛ و امروز می‌بینید که در دنیا بدتر از اینها دارد میشود، این مسئله‌ی همجنس‌بازی و همجنس‌گرایی و این ازدواج‌ها و خانواده‌های دو جنس مشابه و مانند اینها - اینها چیزهایی است که به زبان آسان می‌آید؛ اینها چاله‌های عظیم و عمیق و خطرناکی است پیش پای آن تمدن و کسانی که آن تمدن را دارند اداره میکنند و پیش می‌برند؛ لغزشگاه عجیبی است، پدر اینها را درخواهد آورد؛ حالا این نیمه‌ی راه است، نیمه‌ی سرآشیزی است. البته به نظر من قادر هم نیستند جلوی آن را بگیرند. یعنی مشکل آنها از این حرف‌ها گذشته است. من چند سال پیش - هفت، هشت، ده سال قبل از این تقریباً - در مطبوعات کشورهای خارجی دیدم و خواندم و شنیدم که آمریکایی‌ها دارند دنبال میکنند که از کتابهای فلان نویسنده‌ی مثلاً رمان‌نویس خانواده‌نویس - که رمان‌هایش اطراف خانواده است - فیلم درست کنند برای اینکه بکشاند جهت فیلمسازی و فیلمبرداری و سینما و مانند اینها را به این جهت؛ خب، یک کارهایی هم کرده‌اند، دارند هم میکنند؛ اما اینها مثل یک جریانهای باریکی است در مقابل یک سیل عظیمی که خودشان به دست خودشان راه انداختند؛ و دچارشان کرده است و بعد از این بیشتر دچارشان خواهد کرد. ما البته نسبت به این قضیه فعلاً یک "مصونیّت‌ما"ی (1) داریم - به خاطر همین حجاب و همین چیزهایی که وجود دارد - منتها این را نبایستی دست‌کم گرفت، بایستی این را به‌جَد اهمیّت داد. در همین مباحثی که خانم‌ها اشاره کردید که دارید کار میکنید، این مسئله‌ی جاذبه‌ی جنسی و خطر جاذبه‌ی جنسی برای زن و برای مرد و برای جامعه و برای خانواده، این را به نظر من خیلی بایستی جدّی گرفت.

خب، عرض کردیم گفتمان اسلام "زن حقیقی" است؛ این گفتمان را همان‌طور که اشاره کردم، بایستی ما به صورت تهاجمی مطرح کنیم. مطلقاً در موضع دفاعی قرار نگیرید. گفتند بعضی از خانم‌ها که آن کسانی که دنبال مثلاً کنوانسیون زنان یا مؤسّسات وابسته به سازمان ملل هستند، تهدید میکنند که اگر چنین کنید، اگر چنان کنید ممکن است علیه شما قطعنامه صادر کنیم! خب به درک! قطعنامه صادر کنند. گفتمان اسلامی در مورد زن را بایست با روحیّه‌ی تهاجم، طلبکارانه مطرح کرد. اگر آنها گفتند که شما چرا به زن برای اینکه بتواند بی‌حجاب بگردد آزادی نمیدهید، باید گفت شما چرا این آزادی مضرّ و دهشتناک را میدهید، به آن شکلی که امروز در غرب وجود دارد. آنچه که امروز در غرب در زمینه‌ی بی‌حفاظی و بی‌حجابی زن دارد دنبال میشود، واقعاً گاهی اوقات تصوّرش انسان را دچار دهشت میکند که چکار میخواهند بکنند، کجا دارند می‌روند؟ که لابد شماها خبرهایتان بیشتر از من است، ولی من هم اطلاعات زیادی دارم در این زمینه که چه کارهایی دارد انجام میگیرد؛ در سطوح مختلف: از سطوح بالا، تا سطوح کار و معیشت متعارف زندگی و شغل و این حرف‌ها. خصوصیات زن در این گفتمان گفته شود؛ کرامت زن، عزّت زن، ظرافت زن، نه فقط ظرافت جسمی بلکه ظرافت ساختمان فکری و عصبی و ظرافت کارکردی که باید بکند. این رشته‌های بشدّت رقیق و نازک اعصاب کودک را فقط سزّانگشت ظریف و لطیف مادر است که میتواند از هم جدا کند که عقده به‌وجود نیاید، گره به‌وجود نیاید؛ هیچ کس دیگر نمیتواند، یعنی هیچ انسان دیگری که از جنس زن نباشد نمیتواند؛ این کار، کار زنانه است. یعنی برخی از کارکردها بقدری همراه با ظرافت است که انسان استعجاب میکند از قدرت الهی که چطور این توانایی بالا را همراه با ظرافت به زنان عنایت کرده. من همیشه به دوستان و خویشاوندان و



زنان میگوییم، میگوییم برخلاف آنچه که معروف است، در بین این دو جنس، آن جنس قوی‌تر زن است. زنها قوی‌تر از مردهايند. زنها ميتوانند با تدبير و با ظرافت، مرد را در دست خودشان بچرخانند؛ انسان، هم در تجربه این را مشاهده میکند، هم با قیاسهای فکری و عقلی این را ميتواند اثبات بکند. این واقعیتی است. بله، زنهایی هستند که بی‌تدبیری میکنند، لذا این کار را نمیتوانند انجام بدهند؛ اما زنی که اهل تدبیر باشد، مرد را میکند رام خودش. این مثل این است که يك نفری بتواند يك شیر درنده را افسار بزند، سوارش بشود؛ این معنایش این نیست که او از لحاظ جسمی از این شیر قوی‌تر است، معنایش این است که توانسته این اقتدار معنوی را به کار ببرد؛ زنها این توانایی را دارند، منتها با ظرافت؛ یعنی ظرافتی که میگوییم، تنها ظرافت در ترکیب جسمانی و ساختمان جسمانی نیست، بلکه ظرافت در فکر و اندیشه و تدبیر و دستگاه تصمیم‌گیری است که خدای متعال در زن قرار داده. بنابراین به نظر من اساس کار باید این باشد: این گفتمان بایستی تقویت بشود و پیش برود.

مطلب دومی که عرض میکنم، در مسائل فعلی زنان کشور ما به اعتقاد من دو مسئله از همه مهم‌تر یا بگویید فوری‌تر و لازم‌الاهتمام‌تر از بقیه‌ی مسائل است. يك مسئله، مسئله‌ی اهمیت و اعتبار خانه و خانواده است. برای خانه باید شأن قائل شد؛ انسان بدون خانه - که مسکن و مأوایی ندارد - قابل تصور نیست. هر انسان احتیاج دارد به خانه و محیط خانه. روح محیط خانه عبارت است از خانواده؛ باید به این اهمیت داد، باید در این تأمل و تدبیر کرد. و دوم جلوگیری از ضعف و ستم‌زدگی زن در سطوح مختلف، ما زنانی داریم که ضعیفند و محرومند، زنانی داریم که ستم‌زده و مظلومند؛ باید جلوی این مظلومیتها را گرفت. قوانین مهمی لازم است که باید وجود داشته باشد، حقیقات لازمی وجود دارد که بایستی دنبال کرد که تحقق پیدا کند، آداب و سنی لازم است وجود داشته باشد که زن در سطوح مختلف - من اینجا یادداشت کرده‌ام - معاشرتی، جنسی، خانوادگی، فرهنگی و فکری دچار ستم‌زدگی نباشد. یعنی از مسائل کاملاً شخصی و خصوصی - یعنی مسائل جنسی - احتمال و امکان ستم‌زدگی زن و مظلومیت زن وجود دارد، تا مسائل عمومی‌تر مثل مسائل معاشرتی، مسائل خانوادگی؛ که در مورد مسائل خانوادگی من اینجا یادداشت کرده‌ام: احترام در چشم شوهر، در چشم فرزند، در چشم پدر، در چشم برادر. زن اگر چنانچه در محیط خانواده، محترم و مکرم شمرده بشود، بخش مهمی از مشکلات جامعه حل خواهد شد. باید کاری بکنیم که بچه‌ها دست مادر را حتماً ببوسند؛ اسلام دنبال این است. کما اینکه در خانواده‌های مذهبی‌تر و اخلاقی‌تر و نزدیک‌تر به مفاهیم مذهبی، اینها مشاهده میشود. فرزندان خانواده نسبت به مادر تکریم داشته باشند. هیچ منافاتی ندارد این تکریم نسبت به مادر، با آن حالت عاطفی و خودمانی‌گری‌ای که بین فرزند و مادر وجود دارد؛ هیچ منافاتی ندارد؛ این احترام باید باشد؛ محترم باید باشد زن در درون خانواده. رفع مظلومیت به این شکل است. اگر چنانچه فرض کنیم در يك خانواده‌ای، در يك خانه‌ای، مرد به همسر خودش توهین میکند، انواع توهینها، از توهینهای رفتاری تا زبانی تا وحشی‌گری یدی که متأسفانه يك جاهایی هنوز در کشور ما وجود دارد که نباید وجود داشته باشد، البته در بین غربی‌ها هست، فراوان هم وجود دارد، خلاف انتظار هم نیست - غربی‌ها، یعنی بخصوص نژادهای اروپایی، نژادهای وحشی‌اند؛ اینها ظاهرشان اتو کشیده و کراوات زده و ادکلن زده و اینهايند اما همان باطن وحشی‌گری‌ای که در تاریخ وجود داشته هنوز هم در اینها هست؛ راحت آدم میکشند، خونسرد جنایت میکنند؛ بنابراین کتک زدن زن در داخل خانه به وسیله‌ی آنها و بعد به وسیله‌ی آمریکاییها، بعدی ندارد - اما در محیط اسلامی چنین چیزی اصلاً نبایستی تصور بشود؛ ولی متأسفانه هست. بنابراین این دو نقطه، دو نقطه‌ی اصلی است؛ به نظر من هر چه در این زمینه‌ها برنامه‌ریزی بشود، جا دارد.

بعد از این دو مسائل مهم دیگری هم وجود دارد: مسئله‌ی ازدواج و نجات از تجرد. موانع ازدواج احصاء بشود. همین کارهایی که خانمها اشاره کردند که دارند انجام میدهند و من واقعاً خرسند شدم که بحمدالله به این مسائل پرداخته میشود. مسئله‌ی پوشش، مسئله‌ی معاشرت، واقعاً يك کار مبنایی‌ای در این زمینه انجام بگیرد. مسئله‌ی حمایت



مالی و حقوقی از زنان محروم یا مظلوم که حالا مسئله‌ی دادگاه‌ها را که یکی از دغدغه‌های فکری من بود، آن خانم خراسان رضوی اشاره کردند که این کار در دادگستری آنجا شده؛ امیدواریم واقعاً تحقق عینی داشته باشد این کار؛ یکی از دغدغه‌ها و از نگرانی‌های بنده همین است که خانمها در محیطهای دادگاهی و محیطهای قضائی، توانایی دفاع از خودشان را درست نداشته باشند؛ نه پول داشته باشند که بتوانند وکیل درست و حسابی بگیرند، نه خودشان بتوانند از خودشان دفاع کنند و مظلوم واقع بشوند؛ این از جمله‌ی چیزهایی است که مهم است، باید دنبال بشود. مسئله‌ی اشتغال زنان، حدود اشتغال، چه اشتغالی، چه جور کاری، به چه نحوی - همان انعطافی که ما گفتیم در زمینه‌ی مسائل اشتغال - اینها همه کارهایی است که باید انجام بگیرد؛ لکن فوری‌تر از همه‌ی اینها آن دو مسئله‌ای است که اول عرض کردم.

یکی از چیزهایی که ذهن بنده را مشغول میکند این است که این همه فعالیت‌های گوناگونی که در زمینه‌ی زن و مسئله‌ی زن در کشور وجود دارد - از مسائل حقوقی و قانونی و فقهی بگیریم تا مسائل اجتماعی، تا مسائل اجرایی، تا مسائل عاطفی، این همه موضوعات مختلفی که در زمینه‌ی زن مطرح است - بایستی یک شکل سیستمی پیدا کند، بایستی یک هندسه‌ی عمومی پیدا بکند. البته بعضی از گزارشهایی که به من دادند یا آنچه که اینجا گفته شد، اشاره‌ای به این میکند که فکری در این زمینه شده، لکن به اعتقاد من باید یک کار جامعی در این زمینه انجام بگیرد. ما همه‌ی مسائل زنان را به یک شکل سیستمی کامل، با یک هندسه‌ی صحیح تصویر کنیم، ترسیم کنیم؛ یک مرکز عالی و ثابت هم با کادرهای قوی و چشم‌انداز بلندمدت - که بنده به کار کوتاه مدت، در این زمینه‌ی مهم هیچ اعتقادی ندارم - به وجود بیاید؛ آن وقت در ذیل این مرکز عالی و ثابت، نهادها و بنیادهای متناسبی برای بخشهای مختلف تشکیل بشود؛ از کارهای هم مطلع هم بشوند و یک بانک اطلاعاتی مناسبی هم وجود داشته باشد، یعنی الان بسیاری از کارها هست که حتی خانمهایی که در این جلسه حضور دارید ممکن است بعضی از بعضی از کارهای دیگران اطلاع نداشته باشند. خب این همه بحمدالله ما زن فرزانه و نخبه داریم، در بخشهای مختلف، با نگاههای مختلف، از این مجموعه‌ی عظیم بایستی استفاده کرد.

یک نکته‌ی دیگر هم - که چون وقت نیست و ظهر است، عرض بکنیم به عنوان مطلب آخر - این است که زنان فعال در جبهه‌ی انقلاب، یک روزی نقش‌آفرینی برجسته‌ای کردند - هم اندکی پیش از پیروزی انقلاب، هم در اوایل انقلاب، هم در دوران جنگ تحمیلی - و از خودشان حضور نمایانی نشان دادند؛ نگذارید حضور نمایان زنان فعال در جبهه‌ی انقلاب کمرنگ بشود. دیگران در مواجهه‌ی با انقلاب و معارضه‌ی با انقلاب سعی میکنند از عنصر زن و زنان کارآمد استفاده کنند؛ جبهه‌ی انقلاب، زنان کارآمد و فعال و زبان‌آور و نویسنده و عالم و دانشمند بمراتب بیشتر دارد؛ خانمهایی که اهل اقدامند، اهل فکرند، اهل نگارش و نویسندگی‌اند، اهل سخن گفتند، اهل فکر دادند، صحنه‌ی انقلاب و دفاع از انقلاب را خالی نگذارند؛ این یک نکته است. و نکته‌ی آخر را هم با این جمله من تکمیل و تکمیل کنم که برای پیشرفت آنچه که در مورد زن ما عرض میکنیم و از شماها می‌شنویم و فکر میشود، حتماً بایستی صداوسیما یک نقش صددرصدی ایفا کند. این را اعتقاد داریم ما و سفارش میکنیم، حتماً بایستی صداوسیما یک نقش صددرصدی‌ای ایفا کند؛ میتواند؛ صداوسیما میتواند آنچنان فرهنگ‌سازی‌ای بکند که زن مؤمن، فعال، مجاهد فی‌سبیل‌الله، باحجاب، دارای خصوصیات زن اسلامی، در جامعه محترم و مکرم باشد؛ دیگران میخواهند عکسش اتفاق بیفتد. بعضی از برنامه‌های صداوسیما متأسفانه در همان جهت خاص دیگران است؛ باید عکس عمل بشود؛ یعنی واقعاً باید صداوسیما صددرصد در خدمت این فکر قرار بگیرد.

به‌هرحال آنچه که میتوان به‌عنوان جمع‌بندی مجموعه‌ی کارها، فکر کرد و تصوّر کرد این است که بحمدالله ما در زمینه‌ی مسائل زنان در نظام جمهوری اسلامی پیشرفتهایی داشتیم، منتها این پیشرفتهای متناسب با نیاز، متناسب با توقع، متناسب با آن امکانی که در اسلام وجود دارد نیست؛ عقب‌ماندگی داریم. این عقب‌ماندگی را ان‌شاءالله



شما خانمها بایستی به بهترین وجهی جبران کنید.
خداوند ان شاء الله شماها را محفوظ بدارد. توفیقاتتان را روزافزون بکند و بتوانیم روزبه روز به سمت آنچه که مطلوب
اسلام در این زمینه است، پیشتر برویم.
والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

(1) چیزی شبیه مصونیت